

Essays in Philosophy of Religion (Jostarhayeh Falsafeh Din),
Iranian Association for Philosophy of Religion
Biannual Journal, Vol. 13, No. 2, Autumn & Winter 2024-2025, pp. 37-48
Paper Type: Brief Report

The Ontology of Revelation in *Fusūs Al-Hikmah*

Mahdi Abbaszadeh*


Abstract

The ontology of revelation is a philosophical topic that looks at the phenomenon of "revelation" in terms of its reality and existence. The treatise *Fusūs al-Hikmah* (attributed to al-Farabi) is a philosophical-mystical text that, by presenting a specific philosophical explanation of prophecy, examines the event of revelation in terms of its reality and existence. In this treatise, the Prophet possesses the highest level of intuitive perception because he can receive true knowledge both directly from the Guarded Tablet and through the channel of revelation (in its specific sense), which mainly takes place through the mediation of an angel. The second type is in two ways: without the representation of an angel and with the representation of an angel. The first way is more difficult.

Keywords: Prophecy, Revelation, Holy Soul, Angel, Representation, Imagination.

*Faculty member at Research Institute for Islamic Culture and Thought, Tehran, Iran,
dr.abbaszadeh@iict.ac.ir

Date Received: 12/01/2025, Date of Acceptance: 16/03/2025

 Copyright©2010, Iranian Association for Philosophy of Religion. This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA94042, USA.

The Ontology of Revelation in *Fusūs Al-Hikmah*

Extended abstract

The philosophical view of "revelation" has at least two basic parts: the ontology of revelation and the epistemology of revelation. The ontology of revelation looks at this phenomenon in terms of its reality and existence, and the epistemology of revelation examines its status as a source of knowledge and representation.

The treatise *Fusūs al-Hikmah* (attributed to al-Farabi) is a philosophical-mystical text that, by presenting a philosophical explanation of prophecy, examines the phenomenon of revelation in terms of its reality and existence, as well as its various types and ways, and opens an important chapter in the "ontology of revelation." Accordingly, the topics of the present article are divided into three sections: "Psychology of the Prophet", "Angelology" and "Ontology of Revelation".

In this treatise, the Prophet - who is in the rank of "holy soul" - possesses the highest level of intuitive perception because he can receive true knowledge both directly from the Guarded Tablet (divine knowledge) and through the channel of revelation (in its special sense), which takes place mainly through the mediation of an angel. However, the essence of an angel has two aspects or two modes of existence: the real aspect (existence in itself) and an aspect in analogy with humans (existence in relation). The angel's "existence in itself" originates from the heavenly world (Malakut) and abstract affairs, so it lacks a body and material accidents and has no form or shape, and therefore cannot appear and be evident to the Prophet's senses; although the Prophet's holy soul can have a special spiritual encounter with him and receive such revelation. However, the angel's "existence in relation" has the power to appear and manifest itself to the Prophet. The angel can "represent" himself to the Prophet through this essence or existence. In such a situation, the Prophet's senses are attracted to the higher world and a form of an angel is represented to him according to his tolerance and capacity, and the angel's speech is heard in the form of revelation. Such representation occurs in the Prophet's "imagination" - which is one of the inner senses. Therefore, receiving prophetic revelation from an angel is in two ways: without the representation of an angel (direct or true revelation) and with the representation of an angel (mediated or representational revelation). The first way is more difficult because it is completely far from human habits, but the second is not.

References

Holy Qur'an.

- Al-Shanb Ghazani, Al-Sayyid Ismail Al-Husseini (2002). *Sharh Fusūs al-Hikmah: Fusūs Al-Hikmah and its Explanation*, Research by: Ali Ojabi, First Edition, Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Arabic].
- Farabi, Abu Nasr. (1985). *Fusūs al-Hikam*, Research by: Sheikh Muhammad Hassan Al-Yasin, Second Edition, Qom: Bidar Publications. [In Arabic].
- Hassanzadeh Amoli, Hassan (1986). *Nusūs al-Hikam bar Fusūs al-Hikam*, First Edition, Tehran: Raja Cultural Publishing Center. [In Persian].
- Suhrawardi, Shahab al-Din Yahya (1996a). *Al-Mashari' va al-Motarehat: Al-Ilm al-Thalith: Collection of Works by Sheikh Ishraq*, with a correction and introduction by: Henry Corbin, Vol. 1, Second Edition, Tehran: Research and Cultural Studies Institute. [In Arabic].
- Suhrawardi, Shahab al-Din Yahya (1996b). *Hikmah al-Ishraq: Collection of Works by Sheikh Ishraq*, with a correction and introduction by: Henry Corbin, Vol. 2, Second Edition, Tehran: Research and Cultural Studies Institute. [In Arabic].





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

هستی‌شناسی وحی در فصوص الحکمه

مهدی عباس‌زاده*

چکیده

هستی‌شناسی وحی، مبحثی فلسفی است که به پدیده "وحی" از جهت واقعیت و هستی آن می‌نگرد. رساله فصوص الحکمه (منسوب به فارابی)، متنی فلسفی-عرفانی است که با ارائه تبیین فلسفی ویژه‌ای از نبوت، رخداد وحی را از حیث واقعیت و هستی آن مورد بررسی قرار داده است. در این رساله، پیامبر واجد برترین مرتبه ادراک شهودی است؛ زیرا می‌تواند معارف حقیقی را هم به‌نحو مستقیم از ناحیه لوح محفوظ دریافت دارد، و هم از مجرای وحی (به معنای خاص آن) که عمدتاً با وساطت فرشته صورت می‌بندد. قسم دوم به دو شیوه است: بدون تمثیل فرشته و با تمثیل فرشته. شیوه نخست، ثقیل‌تر است.

کلیدواژه‌ها: نبوت، وحی، نفس قدسی، فرشته، تمثیل، متخیله.

۱. مقدمه

نگاه فلسفی به «وحی»، دست‌کم دارای دو بخش اساسی است: هستی‌شناسی وحی و معرفت‌شناسی وحی. هستی‌شناسی وحی به این پدیده از جهت واقعیت و هستی آن می‌نگرد و معرفت‌شناسی وحی، حیثیت معرفت‌بخشی و حکایت‌گری آن را مورد بررسی قرار می‌دهد.

رساله فصوص الحکمه (منسوب به فارابی)، متنی فلسفی - عرفانی است که حاوی مباحث مختلفی از جمله علم النفس، معرفت‌شناسی، الهیات بالمعنی الأخص و عرفان نظری می‌باشد. این رساله، همچنین، با ارائه تبیینی فلسفی از نبوت، پدیده وحی را از حیث

* استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران، dr.abbaszadeh@iict.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶

واقعیت و هستی آن و نیز اقسام و شیوه‌های مختلف آن، مورد بررسی قرار داده، باب مهمی در «هستی‌شناسی وحی» گشوده است.

بر این اساس، مباحث آتی نوشتار حاضر، در سه بخش: «نفس‌شناسی پیامبر»، «فرشته‌شناسی» و «هستی‌شناسی وحی» دنبال می‌شوند که دو بخش نخست می‌توانند به مثابه مقدمه بخش سوم تلقی گردند.

۲. نفس‌شناسی پیامبر

طبق توضیح این رساله، پیامبر (نبی) واجد «نفس قدسی» است؛ لذا طبیعت عالم اکبر (جهان) یکسره تابع و فرمان‌بردار او می‌گردد، چنان‌که طبیعت عالم اصغر (جسم ما) تابع و فرمان‌بردار نفس هر یک از ماست. بدین جهت است که از پیامبر معجزاتی بیرون از رویه‌های جاری و متعارف سر می‌زنند. نفس پیامبر، چونان آینه‌ای است که از آنچه در «لوح محفوظ»^۱ نگاشته شده است و هیچ‌گاه از میان نمی‌رود، بدون هیچ مانعی نقش می‌پذیرد و نیز از ذوات فرشتگان که فرستادگان خدایند، در حجاب نمی‌شود. از اینجاست که مقام نبوت می‌تواند آنچه نزد خدای تعالی هست را به مردم ابلاغ کند (فارابی، ۱۴۰۵: ۷۲).

بنابر نکات پیشگفته، نفس پیامبر دارای سه ویژگی اصلی است:

۱. پیامبر می‌تواند معجزه بیاورد؛ چه ماده کائنات، مطیع اوست؛

۲. پیامبر حقایق و امور غیبی را از طریق اتصال به لوح محفوظ درک می‌کند؛

۳. پیامبر وحی را از طریق مشاهده ذوات فرشتگان دریافت می‌دارد. در واقع، دریافت وحی نتیجه ویژگی‌های دوم و سوم نفس پیامبر (اتصال به لوح محفوظ و مشاهده ذوات فرشتگان) است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۶۵: ۱۸۹-۱۸۸).

وحی قسمی «ادراک شهودی» و از سنخ علم حضوری است؛ چه به نحو مستقیم و بدون وساطت صور ذهنی در نفس پیامبر حاصل می‌شود. نفس پیامبر دارای برترین مرتبه از ادراک شهودی است؛ چه گاه معارف یکسره حقیقی را مستقیماً از منبع علم الهی (لوح محفوظ) و گاه از ناحیه فرشتگان دریافت می‌دارد. پس به طور کلی، ادراک شهودی و وحی پیامبران به دو قسم است: دریافت بی‌واسطه از لوح محفوظ و دریافت با وساطت فرشته.^۲

۳. فرشته‌شناسی

از آنجا که فرشتگان، گاه واسطه افاضه وحی الهی به پیامبر هستند و وحی عمدتاً از طریق فرشتگان به پیامبر منتقل می‌شود، این رساله در ادامه به مبحث «فرشته‌شناسی» می‌پردازد و تبیین فلسفی شایان اعتنایی از چیستی فرشتگان به دست می‌دهد.

فرشته دارای سه ویژگی اصلی است:

۱. فرشتگان، صور علمیه هستند که گوهر آنها «علوم ابداعی» قائم به ذات است. آنها همانند صفحه‌هایی نیستند که نقش‌هایی در آنها درج شده‌اند یا سینه‌هایی که دانش‌هایی در آنها نهفته‌اند؛

۲. فرشتگان «امر برتر» را مشاهده می‌کنند که حاصل این مشاهده در هویت آنها انطباق می‌یابد؛

۳. فرشتگان «مطلق» هستند؛ با این حال، «روح قدسی» در بیداری با آنها گفت‌وگو می‌کند؛ اما «روح نبوی» در خواب با آنها هم‌نشین می‌شود (فارابی، ۱۴۰۵: ۷۳).
سه ویژگی پیشگفته، نیازمند توضیح‌اند:

۱. مخلوقاتی که از خدای تعالی صادر می‌شوند، بر سه دسته‌اند: مُبدعات، مخترعات و مکنونات.

- مبدعات، اموری هستند که در پیدایش نیازمند ماده و مدت (زمان) نیستند؛ مانند عقول و نفوس کلی.

- مخترعات، اموری هستند که در پیدایش نیازمند ماده هستند، اما نیازمند مدت نیستند؛ مانند اجرام آسمانی (افلاک، ستارگان و سیارگان).

- مکنونات، اموری هستند که در پیدایش هم نیازمند ماده و هم نیازمند مدت هستند؛ مانند اشیای مادی و محسوس.

دسته نخست از جهت مرتبه وجودی، برتر از دو دسته دیگر هستند. فرشتگان در زمره مبدعات‌اند؛ پس علوم و دانش‌های آنها نیز از سنخ «علوم ابداعی» است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۶۵: ۲۰۲-۲۰۴) و نکته اینجاست که گوهر آنان را همین علوم ابداعی تشکیل می‌دهند؛ پس فرشتگان ذاتاً از سنخ علم هستند (نه اینکه ذاتی داشته باشند که علم بر آن عارض می‌شود، بلکه خودشان ذاتاً علم هستند).

۲. منظور از «امر برتر»، امر مقدم بر مبدعات یعنی خود واجب الوجود است. برخی معتقدند که ممکنات برتر از هر طبقه از فرشتگان نیز می‌توانند مصداق امر برتر باشند؛ به این معنا که امر برتر برای عقل اول که از خدا صادر می‌شود، خداست؛ امر برتر برای عقل دوم که از عقل اول صادر می‌شود، عقل اول است؛ و ... (همان: ۲۰۴). همچنین منظور از این تعبیر که فرشتگان، علوم ابداعی قائم به ذات هستند، این است که آنها همان مثل عقلی نوری معروف به «مثل افلاطونی» هستند^۳ (همان: ۲۰۶). نیز منظور از «انطباع» معلومات از ناحیه امر برتر در هویت‌های فرشتگان، «ارتسام» (که با وساطت صورت ذهنی و از سنخ علم حصولی می‌باشد) نیست؛ بلکه چیزی از قبیل «اشراق» (که بدون وساطت صورت ذهنی و از سنخ علم حضوری می‌باشد) است^۴ (همان).

۳. مراد از «مطلق»، ویژگی مجرد یا عاری از ماده است که فرشتگان واجد آنند. با این حال، «روح قدسی» یا نفس پیامبر می‌تواند در بیداری با فرشتگان مجرد گفت‌وگو کند (و فرآیند وحی شکل گیرد)، ولی «روح بشری» یا نفس انسان‌های شایسته (معصومین و اولیای الهی)^۵ فقط در خواب با فرشتگان مجرد هم‌نشین می‌شود (و الهامات و رؤیاهای صادقه شکل می‌گیرند) (همان: ۲۰۵).

۴. هستی‌شناسی وحی

این رساله، ضمن بررسی بیش‌تر حقیقت فرشتگان و ذوات دو جنبه‌ای آنان، فرآیند دریافت دو شیوه از وحی فرشتگان از سوی پیامبر را چنین توصیف می‌کند:

فرشتگان، دارای دو ذات هستند: ذات حقیقی و ذات برحسب قیاس با مردم. ذات حقیقی آنان، از «عالم امر» است^۶؛ در حالی که نفس قدسی (نفس پیامبر) صرفاً از جهت قوه بشری خویش با آن دیدار می‌کند. پس هرگاه این دو (ذات حقیقی فرشته و نفس پیامبر) با یکدیگر گفت‌وگو کنند، ممکن است حواس ظاهری و به‌ویژه باطنی پیامبر به سوی عالم برین (ملکوت) جذب شود. در چنین وضعیتی، صورتی از فرشته برای نفس پیامبر برحسب تحملش «تمثل» می‌یابد (وحی تمثلی)؛ پس فرشته را بر غیر صورت حقیقی‌اش می‌بیند و گفتار او را - پس از آنچه «وحی حقیقی» است - می‌شنود (فارابی، ۱۴۰۵: ۸۸-۸۷).

این رساله، در شرح عبارت دشوار و دیریاب فوق می‌افزاید: وحی، لوحی از آینه فرشته برای نفس انسانی بدون هیچ واسطه‌ای است و این همانا گفتار حقیقی (وحی حقیقی)

است؛ زیرا مراد از گفتار صرفاً این است که آنچه باطن گوینده متضمن آن است، در باطن شنونده صورت پیدا کند، تا اینکه همانند آن شود. اما هرگاه باطن گوینده از لمس باطن شنونده - چنان که مَهر بر لمس موم تواناست و موم را همانند خویش می‌سازد- ناتوان شود، میان دو باطن (باطن گوینده و باطن شنونده) و دو ظاهر (ظاهر گوینده و ظاهر شنونده)، سفیر یا فرستاده‌ای برمی‌گیرد؛ پس گوینده به واسطه صدا یا نوشته یا اشاره (به مثابه سفیر یا فرستاده) سخن می‌گوید؛ و هرگاه گوینده، روحی باشد که هیچ حجابی میان او و نفس انسانی نیست، بر آن نمایان می‌شود - چنان‌که مثلاً خورشید بر آب صاف نمایان می‌گردد- پس نفس انسانی از او نقش می‌یابد؛ لیکن آنچه در نفس انسانی نقش یافته است، شأن آن این است که به سوی حس باطنی (به‌ویژه قوه متخیله) - اگر قوی باشد (مانند متخیله پیامبران)- روانه شود. در این وضعیت، آن امر منقوش، در قوه نامبرده انطباع می‌یابد و مشاهده می‌شود. بدین‌سان؛ آنکه به او وحی شده است (پیامبر)، به وسیله حس باطنی خویش با فرشته اتصال می‌یابد و وحی او را ملاحظه می‌کند. پس از این، برای نفس پیامبر، صورتی محسوس از صورت فرشته و صداهایی شنیدنی از گفتار فرشته تمثیل می‌یابند؛ پس فرشته و وحی او به قوای ادراکی نفس پیامبر از دو وجه (وحی حقیقی و وحی تمثیلی) می‌رسند ... (همان: ۸۹-۸۸).

در واقع، ذات حقیقی (وجود نفسی) فرشته، مربوط به عالم امر و مجردات تام است؛ پس فاقد جسم و أعراض مادی است و هیچ صورت یا شکلی ندارد و لذا اصلاً نمی‌تواند به وسیله حواس ادراک شود (بنابراین وحی حقیقی، یک نحوه ارتباط معنوی خاص میان فرشته و پیامبر است). اما ذات در قیاس با انسان‌ها (وجود اضافی) فرشته، دارای ظهور و بروز خاصی برای پیامبر است، و این جاست که فرشته می‌تواند بر او «تمثیل» پیدا کند و با او سخن بگوید (وحی تمثیلی)، همانند تمثیل صورت مثالی جبرئیل بر قوه خیال پیامبر اسلام (ص) در قالب دحیه کلبی (حسن‌زاده آملی، ۱۳۶۵: ۴۰۰ و ۳۸۲-۳۶۹).^۷

اینکه اشاره شد، نفس قدسی پیامبر، فرشته را بر غیر صورت حقیقی‌اش می‌بیند، طبعاً بدین معناست که پیامبر در این قسم وحی، وجود نفسی فرشته (که مجرد است و قابل دیدن نیست) را نمی‌بیند؛ بلکه تمثیل او را در متخیله خویش برحسب ظرفیتش می‌بیند (همان: ۴۰۰). در این قسم وحی، تمثیل وجود اضافی فرشته، در متخیله پیامبر رخ می‌دهد و این کارکردی مهم برای متخیله در نسبت آن با دریافت وحی است.

مجموعاً می‌توان گفت، همان‌گونه که ذات فرشته، دارای دو جنبه است: یکی جنبه حقیقی (وجود نفسی) و دیگری جنبه در قیاس با انسان‌ها (وجود اضافی)، وحی فرشتگان به پیامبران نیز بر دو شیوه است: بدون تمثیل فرشته (بی‌واسطه و حقیقی) و با تمثیل فرشته (با واسطه و تمثلی). قسم نخست سنگین‌تر است؛ چه رویارویی بی‌واسطه پیامبر با وجود نفسی فرشته که مجرد و فاقد تمثیل است - و همین، گفتار حقیقی است - بسیار دور از عادات بشری^۱ است، اما قسم دوم چنین نیست؛ زیرا وجود اضافی فرشته، در متخیله پیامبر تمثیل می‌یابد (همان: ۴۰۱).

۵. نتیجه‌گیری

در رساله فصوص‌الحکمه، پیامبر - که در مرتبه «نفس قدسی» قرار دارد - واجد برترین مرتبه ادراک شهودی است؛ زیرا می‌تواند معارف حقیقی را هم به‌نحو مستقیم از ناحیه لوح محفوظ (علم الهی) دریافت دارد، و هم از مجرای وحی (به معنای خاص آن) که عمدتاً با وساطت فرشته صورت می‌بندد. اما ذات فرشته، دارای دو جنبه یا دو نحوه وجود است: جنبه حقیقی (وجود نفسی) و جنبه‌ای در قیاس با انسان‌ها (وجود اضافی). وجود نفسی فرشته، مربوط عالم امر و مجردات تام است، پس فاقد جسم و اعراض مادی است و هیچ صورت یا شکلی ندارد و لذا نمی‌تواند بر حواس پیامبر ظاهر و بارز شود؛ هرچند نفس قدسی پیامبر می‌تواند دیدار معنوی خاصی با او داشته باشد و این‌گونه وحی را دریافت کند. لیکن وجود اضافی فرشته، دارای ظهور و بروز برای پیامبر است. فرشته به‌واسطه همین ذات یا وجود می‌تواند بر پیامبر «تمثیل» یابد. در چنین وضعیتی، حواس پیامبر به سوی عالم برین جذب می‌شود و صورتی از فرشته برای او بر حسب تحمل و ظرفیتش تمثیل می‌یابد و گفتار فرشته در قالب وحی شنیده می‌شود. چنین تمثلی، در «متخیله» پیامبر - که از جمله حواس باطنی است - رخ می‌دهد. بنابراین، دریافت وحی نبوی از ناحیه فرشته به دو شیوه است: بدون تمثیل فرشته (وحی بی‌واسطه یا حقیقی) و با تمثیل فرشته (وحی باواسطه یا تمثلی). شیوه نخست، ثقیل‌تر است؛ چه یکسره دور از عادات بشری است، اما دومی این‌گونه نیست.

پی‌نوشت

۱. تعبیر و تفاسیر درباره لوح محفوظ، بسیاراند. این اصطلاح، گاه معادل علم الهی، گاه معادل فرشته‌ای والا از فرشتگان خدا و... لحاظ شده است. *فصوص الحکمه* گاه لوح محفوظ را یک «فرشته روحانی» معرفی می‌کند (فارابی، ۱۴۰۵: ۸۹).
۲. پس از این، اشاره خواهد شد که وحی با وساطت فرشته نیز به نوبه خود بر دو شیوه است.
۳. در این صورت، دیدگاه این رساله تا حدی به فلسفه افلاطون و به ویژه به آرای اشراقی سهروردی نزدیک می‌شود (ر.ک: سهروردی، ۱۳۷۵ ب: ۱۴۵-۱۴۳، ۱۶۱-۱۵۸ و ۱۶۵).
۴. اگر این توضیح درست باشد، در این صورت، دیدگاه این رساله کاملاً به دیدگاه اشراقی سهروردی نزدیک، بلکه بر آن منطبق است؛ با این تفاوت که سهروردی اصطلاح «انطباع» را در مورد کیفیت ابصار مطرح کرده است، نه در مورد علم فرشتگان (ر.ک: سهروردی، ۱۳۷۵ الف: ۴۸۶؛ همو، ۱۳۷۵ ب: ۱۳۵-۱۳۴).
۵. در متن اصلی در نسخه مورد استفاده ما- «روح النبویه» درج شده است، ولی تعبیر درست بنابر نُسخ دیگر- «روح البشریه» است که با دیگر فرازهای *فصوص الحکمه* کاملاً تناسب دارد و در غیر این صورت تعارض پدید خواهد آمد (الشنب غازی، ۱۳۸۱: ۱۲۷)؛ بنابراین ما هم از تعبیر اخیر استفاده کردیم.
۶. ظاهراً یکی از مستندات نقلی امری بودن ذوات فرشتگان، این آیه شریفه است: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» (قرآن مجید، اسراء/ ۸۵).
۷. بحث از تمثیل فرشته بر پیامبر و برخی دیگر از این قبیل تمثالات، سهروردی را به طراحی «عالم مُثل معلق» که حد واسط میان عالم مادی و عالم معقول است و امور موجود در آن نه مادی هستند و نه معقول، بلکه در وضعیتی میانه این دو قرار دارند، رهنمون می‌شود (ر.ک: سهروردی، ۱۳۷۵ ب).
۸. مراد از عادات بشری، اموری همچون دیدن، شنیدن و... دیگر امور عادی و روزمره است.

منابع

قرآن مجید.

- الشنب غازی، السید اسماعیل الحسینی (۱۳۸۱). شرح *فصوص الحکمه*: *فصوص الحکمه* و شرحه، تحقیق: علی اوجبی، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۶۵). *نصوص الحکم بر فصوص الحکم*، چاپ اول، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا.

سهروردی، شهاب‌الدین یحیی. (۱۳۷۵ الف). المشارع و المطارحات - العلم الثالث: مجموعه مصنفات شیخ اشراق، به تصحیح و مقدمه: هنری کرین، جلد اول، چاپ ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

سهروردی، شهاب‌الدین یحیی (۱۳۷۵ ب). حکمة الإشراف: مجموعه مصنفات شیخ اشراق، به تصحیح و مقدمه: هنری کرین، جلد دوم، چاپ ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

فارابی، ابونصر. (۱۴۰۵). فصوص الحکم، تحقیق: شیخ محمد حسن آل یاسین، چاپ ۲، قم: انتشارات بیدار.

